

سند حقانیت شیعه

ترجمہ لوح حضرت

فاطمہ زہرا علیہا السلام

فقهی، ابوالفضل، ۱۳۴۲ -

لوح حضرت فاطمه زهرا علیه السلام / گردآورنده: ابوالفضل فقهی -

مشهد: فقهی، ۱۳۸۴ .

۲۷ ص

بها: ۳۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۹۶۳۹۵-۴-۳ ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱. احادیث خاص (لوح)، الف، عنوان

۲۹۷/۲۱۸

۷۹۴۵/ل BP

ل ۷۹۲ ف

شماره کتاب:

نام: لوح حضرت فاطمه زهرا (س)

گردآورنده: ابوالفضل فقهی

تایپ و طراحی: م. هراتی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: دیماه ۱۳۸۵

قیمت: ۳۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات فقهی / ۲۲۱۰۳۲۲ (۰۵۱۱)

شابک: ۹۶۴-۹۶۳۹۵-۴-۳ ISBN

مقدمه ای بر لوح حضرت فاطمه علیها السلام

یکی از اعتقادات اساسی و مهم ما شیعیان آن است که جانشینی پیامبر گرامی اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که می توان آن را با اصل رسالت همپایه دانست. این به معنی آن است که امامت مقامی بس والا و مهم است و به جز دریافت وحی و اخذ شریعت مستقل و جدید، در بقیه ابعاد همانند رسالت است.

پیامبری یعنی دریافت وحی از جانب خداوند و ابلاغ آن بر مردم. این پیام رسانی گاهی بر عده معدودی از مردم بوده و گاهی بر تمامی مردم آن عصر.

همچنانکه در پیامبری می گوئیم باید خداوند پیامبر را از میان مردم با در نظر گرفتن صلاحیت انسانها شایسته ترین آنها را انتخاب کند و این شناخت و انتخاب تنها باید توسط خداوند که آفریننده انسان است صورت

پذیرد و مردم نمی توانند شایستگی کسی را برای پیامبری تشخیص دهند، همچنین است مسئولیت سنگین و مهم جانشینی پیامبر، زیرا جانشینی پیامبر همان شایستگی ها را لازم دارد که پیامبری لازم دارد. تنها تفاوت میان پیامبر و امام آن است که پیامبر اصل دین و شریعت را از عالم غیب (مثلاً از فرشته وحی یا به وسیله دیگر) دریافت می کند و آنرا ابلاغ می کند ولی امام دین و شریعت پیامبر پیش از خود را تبلیغ و اجرا می نماید.

علیهذا اگر برای پیامبری عصمت لازم است تا مردم باور کنند و مطمئن شوند که آنچه می گوید عین وحی است نه چیز دیگر برای امام هم شرط عصمت لازم است تا مردم باور کنند و اطمینان حاصل کنند که در ابلاغ شریعت پیامبر و شرح و تفسیر آن دچار لغزش و

انحراف نمی شود و احتمال و امکان آلودگی قول و فعل و تقریر امام تا چیزی جز راه خدا و پیامبر خدا وجود ندارد.

تشخیص این شرط و سایر شرایط امامت از عهده مردم خارج است و باید خداوند عالم السر و الأحوال معین فرماید که چه کسی واجد شرایط امامت است؟ شیعیان بر این اعتقاد خود هم دلایل عقلی و هم دلایل نقلی معتبر دارند، که در کتب کلامی مذهب شیعه آمده است.

البته دلایل نقلی و برخی دلایل عقلی بر این عقیده در کتب اهل سنت هم آمده که در منابع احتجاج شیعیان به طور مشروح آمده است.

مانند: احقاق الحق؛ قاضی نوراه شوشتری - شبهای پیشاور؛ سلطان الواعظین شیرازی و

یکی از دلایل معتبر نقلی بر اینکه جانشینان پیامبر اسلامی از سوی خدا معین و با نام و نشان معرفی شده اند متنی است که لوح حضرت فاطمه علیها السلام معروف شده است.

این لوح و بیان چگونگی دریافت و نقل و انتقال آن بر امامان و سپس رسیدن آن به دست مردم به شرحی است که در صفحات بعدی می آید.

نکته مهم و گفتنی در اینجا آن است که نشر اینگونه مطالب را هرگز نباید ابزاری برای تشدید اختلاف و تضعیف صفوف مسلمین دانست، چرا که مسلمانان در عین حفظ وحدت و قدرت در برابر دشمنان می توانند با سعه صدر و ظرفیت اندیشه و فکر، در میان خود به بحث و مناظره علمی بپردازند و از این طریق ضمن تبیین ابعاد مبهم معارف دین خود

به مبانی و مشترکات وحدت آفرین بیفزایند. فلذا نباید کسی نه از شیعیان و نه اهل سنت به بهانه بروز یا تشدید اختلاف از باز شدن فضای تبادل علم و نظر و مباحثه منطقی جلوگیری نماید.

در اینجا برای تمیّن و تفرّک و به منظور ذکر نمونه ای از دلایل قرآنی و مستحکم نمودن پایه بحث آیه ای از قرآن را با ترجمه و توضیح مختصر می آوریم و سپس متن کامل لوح حضرت فاطمه علیها السلام را تقدیم می کنیم.

یکی از آیات قرآن که به صراحت و بدون قرائن غیر قرآنی ثابت می کند که باید مؤمنان برای شناخت اولی الامر پس از پیامبر تنها به خدا و پیامبر رجوع کنند و به جز خدا و پیامبر او هیچ شخص یا اشخاصی یا شورایی یا روشهای دیگر شایسته رجوع و تمسک و

اعتنا نیستند یعنی از نظر قرآن نظر آنها حجیت ندارد،
آیه ۵۹ سوره نساء می باشد.

معنی آیه چنین است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى
الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَسَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ
إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ
وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و پیغمبر و
اولی الامر از شما را اطاعت کنید. پس اگر در چیزی
اختلاف پیدا کردید به خدا و پیامبر باز گردانید
پرسید» اگر به خدا ایمان آورده اید این راه بهتر و
شیوه فهم و شناخت امام نیکوتر است.

همانگونه که ملاحظه می شود، آیه مذکور ابتدا مؤمنان
را به اطاعت خدا و پیامبر و اولی الامر دستور می دهد

از مجموع محتوای آیه نکات زیر به روشنی قابل استفاده است:

۱- اطاعت خداوند و پیامبر و اولی الامر در یک دستور و حکم واجب شده است.

۲- اطاعت خدا شاید از جهاتی با اطاعت پیامبر متفاوت باشد (به قرینه دو بار آمدن «اطيعو» یکبار برای خدا و بار دیگر برای پیامبر و اولی الامر)، ولی اطاعت پیامبر و اطاعت اولی الامر از یک سنخ هستند چون از یک فعل «فعل امر» به دست می آید.

یعنی هر چه در اطاعت پیامبر بگوئیم و به آن معتقد باشیم در اطاعت اولی الامر نیز می گوئیم.

۳- در آیه تصریح شده که اگر در فهم و تفسیر آیه و عمل به آن دچار اختلاف شدید از خدا و پیامبر پرسید.

۴- از معنی حرف «ف» در «فان تنازعتم» فهمیده می شود که اختلاف در اثر ابلاغ این دستور ممکن است پیش آید.

۵- همینطور معلوم است که اختلاف در مدلولات آیه احتمالاً در تعیین اولی الامر پیش می آید چرا که در مورد خدا و اطاعت او و نیز در مورد پیامبر و اطاعت او هیچ اختلافی پیش نیامده بود و جای پیش بینی هم نبود چون موردی نداشت و ندارد.

۶- دلیل روشن و قاطعی که در آیه وجود دارد حکمی است که برای راه حل تنازع احتمالی «که بعداً حتمی شد و پیش آمد» صادر شده است و آن رجوع به خدا و پیامبر اوست. یعنی اگر در اثر ابلاغ این دستور «یعنی دستور اطاعت خدا و اطاعت پیامبر و اولی الامر» اختلافی پیش آمد و این اختلاف در جزئی از موارد

مذکور در آیه بود «فی شیء» برای حل اختلاف و به دست آوردن حکم واقعی و دستور خدا، از خدا و پیامبر او پرسید. دیگر نفرموده که شورا تشکیل دهید، یا رأی گیری کنید.

۷- اگر کسی پرسد که به چه دلیل موضوع نزاع را فقط شناخت اولی الامر می دانید؟

شاید مقصود آیه اختلاف در تمامی مسائل زندگی باشد؟ در پاسخ گفته می شود که:

اولاً: حرف «ف» در «فان» که به معنی (در نتیجه و پس اگر در نتیجه...) است نشان می دهد که احتمالاً اختلاف در نتیجه ابلاغ این حکم پیش خواهد آمد و خداوند حل این اختلاف را پیش بینی کرده است.

ثانیاً: اگر موضوع اختلاف سایر مسائل زندگی بود در اینصورت باید گفته می شد که: اگر اختلافی پیدا

کردید به خدا و پیامبر و اولی الامر رجوع کنید.
چون صدر آیه گفته بود که خدا و پیامبر و اولی الامر
را اطاعت کنید پس در موقع نیاز و بروز اختلاف باید
به آن سه مراجع رجوع کرد. در صورتیکه در ادامه آیه
اولی الامر تکرار نشده است یعنی شناخت اولی الامر
خودش موضوع نزاع است پس باید به خدا و پیامبر
رجوع کرد نه خود اولی الامر.

ثالثاً: حکم صدر آیه اطاعت از خدا و پیامبر اولی الامر
را به طور کلی گفته بود و آن شامل تمامی مسائل
زندگی بود دیگر نیازی به ذکر اختلاف و تکرار همان
اطاعت کلی نبود و نیست.

بدین ترتیب با این بیان البته بدون استمداد از تاریخ و
روایات ثابت می شود که:

۱- وظیفه تمامی مسلمانان اطاعت خدا و پیامبر و اولی الامر است.

۲- برای شناخت اولی الامر «اگر اختلاف پیش آمد» باید به خدا و پیامبر رجوع کنند.

۳- به دلیل حکم صریح آیه تنها راه حل اختلاف درباره شناخت اولی الامر پیروی از حکم و دستور خدا و پیامبر او است نه تشکیل شورا و راههای دیگر. حکم و دستور خدا هم بارها به وسیله پیامبر از جمله در غدیر ابلاغ شده است.

و این همان است که شیعیان معتقدند و لوح حضرت فاطمه علیها سلام نظر صریح خدا و پیامبرش را در معرفی اولی الامر و امامان بعدی بیان نموده است. یعنی مدلول لوح حضرت فاطمه که اعلام نظر صریح خدا

درباره شناخت و اطاعت صاحبان امر «جانشینان پیامبر»
است در حقیقت مبنای قرآنی هم دارد. *

زمستان ۱۳۸۴
دکتر عبدالحسین فقهی

* چون فرض بر این است که این جزوه را عموم مردم می خوانند
لذا توضیحات مفصلتر و ساده تر نوشته شد. برای کسانی که هیچ
اطلاعی از موضوع ندارند توضیح ساده و کامل لازم است.